

بیانات مقام معظم رهبری در مصاحبه پایانی سفر به استان چهار محال و بختیاری - 17 / مهر / 1371

ضمن تشکر از این که این فرصت را در اختیار ما قرار دادید، از حضورتان تقاضا می‌کنم هدف از سفر به استان چهارمحال و بختیاری را بیان کنید، و بفرمایید که در مجموع، این استان و روحیه مردم را در طول سفرتان چگونه دیدید؟

- بسم الله الرحمن الرحيم

هدف از سفر، قاعدتاً دو چیز است: یکی ملاقات با مردم و احوالپرسی از قشرهای مردم و حضور در میان آنها؛ یکی هم اطلاع از اوضاع استان و پیدا کردن معلوماتی از نزدیک، از وضع استان. این، هدف همه سفرها به مناطق مختلف کشور است. اگرچه من قبلاً هم به این جا آمده بودم، لکن چون استانی است که از جهات مختلف محروم است، لازم بود که سفر دیگری به این جا بکنیم؛ و آمدم.

مردم این جا را - همچنان که قبلاً نیز همین گونه تشخیص داده بودم - مردم بسیار خوب و دارای فضایل اخلاقی متعددی یافتیم. اولاً مردمی هستند تقریباً دارای خوی عشایری. اگرچه همه استان، عشایری نیستند، لکن آن خصلتهای جوانمردی و شجاعت و صراحت لهجه و صفای روحی و صمیمیت و مهمان نوازی و این چیزها، در مردم این استان وجود دارد. به مسؤولین کشور و مسؤولین نظام جمهوری اسلامی خیلی علاقه مندند و حقیقتاً با شور و هیجان با آنان برخورد می‌کنند. ماهم که آمدم، مردم نهایت محبت و لطف را از خودشان نشان دادند.

در این سفر، به عشایر منطقه هم، سری زدم. البته در سفرهای پیش هم رفته بودم. منطقه ای که ما در آن هستیم، یک منطقه عشایری است. جایی است که یک عده از عشایر در آن اسکان یافته اند. کوچ رو نیستند، و همه سال را در این جا ساکنند. منتها وضع زندگی در این جا، بامحرومیت بسیار همراه است. نه مسکن درستی دارند، نه جاده ای، نه امکانات بهداشتی و نه امکانات آموزش و پرورش. وضعشان خیلی بد است.

البته این را بگویم که در استان چهار محال و بختیاری - طبق آمارهای موثقی که به دست من رسیده - کاری که در بعد از پیروزی انقلاب تا امروز شده، شاید چندین برابر - ده برابر یا بیشتر - بیشتر از کاری است که در کلّ زمان قبل از انقلاب انجام گرفته است. درعین حال، خدمات فراوانی که در این استان انجام گرفته، برای پاسخگویی به نیازهای این استان، کافی نیست. نمونه اش همین منطقه عشایری است. این راهی که از شهرکرد تا این جا - منطقه باژفت - آمدم، بسیار طولانی است. مردم جاده ندارند؛ مدرسه راهنمایی ندارند؛ امکانات بهداشتی ندارند و انصافاً خیلی کمبود دارند. خوشبختانه در این سفر، هم معاون محترم رئیس جمهور، آقای میرزاده با ما هستند، هم آقای بشارتی رئیس محترم امور مناطق محروم کشور و هم وزیر محترم جهاد سازندگی. یعنی همه وسایل کار، این جا با ما همراه است. لذا، دیشب در شهرکرد، برای بررسی طرحها

تشکیل جلسه دادیم و من دیدم، مجموعاً نزدیک یک میلیارد تومان برای پروژه ها و طرحهای این استان، قرار است هزینه شود. مقدار قابل توجهی را آقای میرزاده از بودجه دولت متعهد شدند؛ مقدار زیادی از آن را آقای بشارتی از بودجه مخصوص مناطق محروم متعهد شدند و مقدار قابل توجهی را هم وزیر جهاد سازندگی، جناب آقای فروزش به عهده گرفتند. دیشب وقتی طرحهای آقایان در مورد جاده، برق رسانی، آب رسانی، واحدهای آموزشی، کمک به دانشگاهها، کمک به مدارس کشور، خانه معلم و انواع و اقسام طرحهای دیگر را دیدم، حقیقتاً قلبم شاد شد و دیدم که خوب کار کرده اند. برای همین منطقه ای که الان ما از آن آمدیم - البته قبل از آمدن ما - جاده و راه در نظر گرفتند که بسیار مهم است. البته مدرسه هم در نظر گرفتند. همین حالا نیز، در این جا تصمیم گرفته شده که حمام ساخته شود و کارهای دیگری برای این منطقه و همچنین بقیه مناطق این استان، انجام خواهد شد.

امیدواریم خداوند کمک کند که این کارها را انجام دهند. آقایان به من قول دادند کارهایی را که تصمیم گیری شده، از همین فردا شروع کنند؛ یعنی در سرتاسر این استان، همین فردا که روز شنبه است، تعدادی کارگاه تجهیز می شود و کار شروع خواهد شد. همین جاده ای که قرار است کشیده شود، از همین فردا شروع می شود. یعنی کار برای شش ماه دیگر و یک سال دیگر نیست. این طور قول دادند. این کارها باید انجام گیرد. ان شاءالله این طور هم عمل خواهند کرد. من هم، با این که کمال اطمینان را به آقایان دارم - یعنی می دانم که اینها خودشان دل سوخته هستند و لازم نیست کسی به کارشان وادار کند و واقعاً مجذوب کار برای مستضعفین هستند - درعین حال، احتیاطاً، خبر می گیرم. یک ماه که می گذرد، دو ماه که می گذرد، کسب اطلاع می کنم که کار چقدر پیش رفته، چقدر انجام شده و چقدر باید انجام گیرد؛ تا لنگی ای در کار نباشد. معمولاً این اخبار را، هم از طریق استاندار محل و هم از طریق دفتر خودمان دنبال می کنیم. بحمدالله کارها خوب پیش می رود. در جاهای دیگری هم که رفتیم - مثل بوشهر و ایلام و لرستان - کارهایی که قول دادیم، اکثراً انجام شده است. تعداد بسیار کمی از طرحهاست که به خاطر موانعی، انجام نشده. لکن بقیه، همه انجام شده است. این جا هم ان شاءالله همه این کارها انجام خواهد شد.

لازم است از همین فرصت استفاده کنم و به مردم عزیز چهار محال و بختیاری سلام بفرستم. من این دو، سه روزی که مهمان این مردم هستم، حقیقتاً احساس آرامش می کنم. صفای این مردم و ذوقیات و استعداد آنها، از جمله مواردی است که بسیار جالب است. بخصوص استعداد فرهنگی و ذوقیات این مردم، قابل توجه است. اهل ادبیاتند؛ اهل شعرند. در همین محل «لبد» که ما هستیم، از این سینه کش که می رفتیم بالا، دیدم یکی از آقایان مشغول شعر خواندن است. گوش کردم ببینم چه شعری است. دیدم شعرهای بسیار خوبی است! هم مضامینش خوب است، هم الفاظش الفاظ خیلی خوبی است. شعرها را پر جوش و خروش می خواند. پرسیدم: «این شعرها مال کیست؟» گفت: «اینها را پدرم سروده است.» گفتم: «تو سواد داری؟» گفت: «نه!» این آقا سواد نداشت؛ اما شعری را به قدر یک قصیده مفصل، با کمال متانت و استواری و مثل یک انسان با سواد، خوب و از بر می خواند. یا، همین جا که الان در این چادر نشسته ایم، این آقای صاحبخانه ما که این جا نشسته

بودند، با شعر و با نثر بنا کرد با ماحرف زدن!

حقیقتاً انسان از سطح فرهنگ این مردم لذت می برد. با این که سواد، سواد رسمی نیست ؛ اما روح فرهنگی و استعداد فرهنگی هست. آدم وقتی اینها را می بیند، هزاران بار لعنت می فرستد به آن خانهای خبیث و سلاطین خبیثتر از خانها، که سالهای متمادی مردم را عقب نگه داشتند. این مردم را بی سواد و محروم نگه داشتند، ازشان استفاده کردند و اینها را دوشیدند، بدون این که فایده ای بهشان برسانند. امیدواریم ان شاءالله در دوران جمهوری اسلامی، جبران شود. البته بخش زیادی از عشایر این کشور، بحمدالله، در دوران جمهوری اسلامی به سر و سامان نسبی رسیده اند. این جاها هم، ان شاءالله باید هرچه زودتر به سر و سامان برسد.

ان شاءالله موفق باشید. حالا اگر خواستید آمار این کارهایی را که شده است به تفصیل بدانید، جناب آقای میرزاده و جناب آقای بشارتی، این جا هستند. می توانید از آقایان سؤال کنید، تا بگویند و مردم هم مطلع شوند.

والسلام علیکم و رحمةالله.